

این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را باز نشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمندان شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.



ترامپ: خدا به من گفت کارت را عالی انجام دادی و باید دوباره انتخاب شوی!

به گزارش کانال تلگرامی «پایش آمریکا» دونالد ترامپ خطاب به هوادارانش در منکاتو، ایالت مینه‌سوتا گفت: «آنچه ما با همدیگر به دست آورده‌ایم و آنچه با هم در حال انجامش هستیم، چیزی کمتر از یک معجزه نیست و ما دوباره در حال انجامش هستیم. مالی‌ترین اقتصاد در تاریخ جهان را رقم زدیم و حالا باید دوباره این کار را انجام دهیم. می‌دانی این چیست؟ درست است. این خداست که مرا از مایش می‌کند. خدا ما من گفت: «میدونی، تو یک‌بار انجامش دادی.» و من گفتم: «یا من کارم رو عالی انجام دادم. خدا» من تنها کسی هستم که میتونه این کارو انجام بده.» خدا گفت: «نباید اینو بگی. حالا که این رو گفتی، باید کاری کنیم دوباره هم انجامش بدی.» من گفتم: «باشه. قبوله. قانعم کردی.» اما من یک بار این کار را انجام دادم و حالا دارم دوباره انجامش می‌دم و شما شاهد ارقامی که ما محقق کردیم، هستیم. نباید باور نکردنی هستند. بهترین آمار اشتغال ۱سه ماه، مشاغل بیشتر در سه ماه گذشته، بیشتر از هر وقت دیگر، بر برخی مردم احقمندگی، یکی گفت او می‌خواهد بیروز شود؟ و می‌دانید در پایان دومین دوره منصفش را ترک نمی‌کند؟ فکر کردم مزاح می‌کند اما انگار واقعی بود. خوب ما هم راجع به آن فکر کردیم چون ایده بدی نبود. آنها فراد چهار سال دیگر، چهار سال دیگر سر دادند من هم گفتم ۱۲ سالش کنیید تا حسابی دیوانه شون.»



بلای آزدسازی و واردات برنج

سید پاسر جبرائیلی، کارشناس اقتصاد سیاسی در کانال تلگرامی خود نوشت: بازار کشاورزان یک بازار پرسود نیست و کشاورزان به دلایل متعدد در معرض خروج یا اخراج از این بازار قرار دارند. به دلیل ارتباط مستقیم صنعت کشاورزی با امنیت غذایی، دولت‌ها سیاست حفظ بازار را در صنعت کشاورزی دنبال و با انواع حمایت‌های مالی و غیرمالی، از تداوم عرضه محصولات کشاورزی حمایت می‌کنند.

اخیرا گزارش از سازمان همکاری‌های اقتصادی منتشر شد که نشان می‌داد طی سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹، مجموع ۵۴ کشور مورد مطالعه این سازمان، به طور متوسط سالانه ۵۳۶ میلیارد دلار برای حمایت مستقیم از کشاورزان هزینه کرده‌اند. نقطه مقابلی چنین رویکردی، قطع یارانه پرداختی به کشاورزی است و یک سطح فاجعه‌بار تر از این آزدسازی و واردات محصولات کشاورزی است، یعنی نه تنها از کشاورز حمایت مستقیم نشود، بلکه برای راه‌های واردات محصولات که در مبدأ یارانه از دریافت می‌کنند نیز یارانه وارد می‌شود.

متأسفانه صنعت کشاورزی ما به چنین بلای‌های مبتلاست و هر چه جلوتر می‌رویم، عمق فاجعه افزایش می‌یابد. تعرفه واردات برنج تا سال ۸۴ حدود ۱۵۰ درصد و واردات کشور حدود ۴۰۰هزار تن بود. اما متأسفانه در دولت نهم رقم تعرفه به ۲۰ درصد کاهش یافت. در همین زمینه سال ۹۲، باروی کار آمدن دولت جدید، تعرفه واردات برنج به ۱۰ درصد کاهش یافت و همین سیاست باعث شد در این سال بیش از یک میلیون و ۶۰هزار تن برنج به کشور وارد شود. به گفته معاون وقت وزیر کشاورزی، در این سال بازار ایران یک میلیون تن برنج مازاد داشت. در نتیجه، برنج کاران ایرانی نتوانستند محصول خود را به قیمت مناسب بفروشند و خروشان از بازار آفت‌ خیز.

دهم تیرماه ۱۳۹۹، تعرفه واردات برنج به ۴ درصد کاهش یافت تا ضربه به مملکتی دیگر بر فرق صنعت برنج ایران فرود آید. توجه کنید این تعرفه با دلار ۴۲۰۰ محاسبه می‌شود. این نحوه مواجهه با صنعت کشاورزی، نه تنها به امنیت غذایی کشور و به اشتغال کشاورزی آسیب می‌زند، بلکه به دلیل اینکه «هذااگر تولید نشود، باید وارد شود» واردات برنج به منابع ارزی کشور نیز فشار سنگینی وارد می‌کند.

از ابتدای سال جاری تاکنون بیش از ۳۵۰ میلیون دلار برنج وارد کشور شده است و ادامه این روند، به معنی واردات یک میلیارد دلاری برنج در سال جاری خواهد بود؛ برنجی که می‌توانستیم خودمان تولید کنیم و اینک باید در بی رقم تأمین ارز آن باشیم. ادامه این روند، نتیجه‌های جز ناپودی صنعت کشاورزی و کاهش ضریب امنیت غذایی کشور ندارد. دولت باید متوجه این نکته راهبردی باشد که «تأمین ریال و پرداخت آن به کشاورز در قالب یارانه، بسیار راحت‌تر از تأمین ارز برای واردات است.»



| روزنامه جوان | شماره ۰۵۶۰۰ | پنج‌شنبه ۳۰ مرداد ۱۳۹۹ | ۳۰ ذی‌الحجه ۱۴۴۱ |

گایبران



کاربران شبکه‌های اجتماعی خواهان #محاكمه-مسئولان- ناکار آمد شدند

قوه قضائیه با محاکمه مسئولان ناکارآمد مانع هدر رفت بیت‌المال شود

مشکلات اقتصادی لجام‌گسیخته از یک طرف و بی‌کفایتی برخی مسئولان که هر روز طرح‌های قبلی را به جایی نرسانده طرح جدیدی می‌دهند موجب شده است در بسیاری از موارد اقدامات خوب صورت پذیرفته نیز مؤثر واقع نشوند. کاربران شبکه‌های اجتماعی از این وضع گلا به‌مندنند و از قوه قضائیه در خواست کرده‌اند تا با #محاكمه-مسئولان- ناکار آمد آنان را نسبت به طرح‌ها و برنامه‌هایشان پاسخگو کنند و مانع هدر رفت بیت‌المال با تصمیمات غیر کارشناسی شوند. کاربران ادعا دارند داشته‌اند محاکمه مسئولان.

محمد کرمانی:

باید قانونی داشته باشیم تا هر مسئولی نتواند هر طرحی که دلش خواست بدهد و بعد هم نسبت به تبعات آن بی‌پاسخ و بی‌خیال باشد. قطعاً باید قانون محکمی برای پاسخگو کردن مسئولان و مسئولیت‌پذیری آنها در قبال برنامه‌هایشان وضع شود. این‌ از محاکمه مسئولان ناکارآمد مهم‌تر است.

سمیرا امینی:

تاکی باید درآمد و پولی که میتونه صرف شغل جوان‌ها و کارهای تولیدی و خدماتی در کشور بشه، به‌خاطر وجود مدیران لالایی حیف و میل پشه؟ اون از قرارداد کرسنت، این‌ از ویلموتس و... همیشه به ما علت گرونی، کمبود نداری و... را به غلط «فشار تحریم‌ها» گفتند ولی در واقع عامل اصلی این مشکلات نبود مسئول کارآمد و با وجدان کاری است که بیت‌المال رو جیب باباش ندونه و هر جا حیف و میلش کنکه

علی داودی:

اگر شعار و وعده‌های حفظ (رزش پول ملی، پاسپورت ایرانی، رفع تورم، اشتغالی و...) که مسئولان موقع انتخابات دادند رو الان از خودشان مطالبه کنیم به جرم تشویش اذهان عمومی بازداشت میشیم.

عباس عیاری:

مگر فقط برجام است؛ مگر فقط ویلموتس است؛ مگر فقط ارز ۴۲۰۰ تومانی است؛ مگر فقط گران کردن یک شبه بنزین است؛ مگر فقط حذف کسارت سوخت و کرسنت است؛ مگر درد یکی دوتاست؟

آسوده بودن خیال مسئولان ناشی از عدم محاکمه باید تمام شود!

علیرضا گرابی:

قرارداد گازی زنگنه: ۲میلیارد دلار غرامت به ترکیه؛ دلار جهانگیری: ۲۷میلیارد دلار ارز بازنگشته؛ معاهده پاریس ابتکار: ضرر ۱هشلییارد دلاری؛ قراردادهای فوتبالی سلطانی‌فر: ضرر ۱۳میلیون دلاری و...البته



سرویس اطلاعاتی بریتانیا (ام. آی. سی.سیکس) و طراح و فرمانده واقعی عملیات کودتا که از اوایل دهه ۱۹۵۰ به همراه ژنرال لوسین تراساکت (معاون سیا مستقر در فرانکفورت) و ژنرال ریچارد گیفن (رئیس سازمان اطلاعات نظامی هیتلر که در سال ۱۹۴۵ خود را به ارتش آمریکا تسلیم کرد و اولین رئیس سازمان اطلاعاتی آلمان غربی BND شد) در خفا به ایجاد و گسترش شبکه‌های مخفی پیمان تازه تأسیس «اتو» بدینسان، ایرانیان هیچ‌گاه «تاریخ واقعی» آن عصر و پیوند آن را با «تاریخ روز» خود و شبکه‌هایی که امروزه همچنان فعال در بسیاری قدرتمندتر از دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ هستند، نخواهند شناخت و با طریقی دستکاری در فرآیندهای سیاسی ایران دیکتاتوری به دست می‌آید. آنان در موارد متعدد، صحنه‌های اغراق شده یا غیرواقعی آفریدند که به هراس از توده و سلطه اتحاد شوروی بر ایران دامن می‌زد و فضای لازم را برای تصویب طرح کودتا در لندن و واشنگتن فراهم می‌کرد. به‌عبارت دیگر، شبکه‌های مخفی فوق از طریق دستکاری در فرآیندهای سیاسی ایران دیپلماسی رسمی بریتانیا و ایالات متحده را نیز دستکاری و هدایت می‌کردند.

هنوز همه این افراد در سمت‌های خود مشغول به کار هستند...

حمید مقدم:

تاکی باید به خاطر حماقت یا بی‌کفایتی به مسئول، بیت‌المال هدر بره؟ چرا!ش فقط اینه که هم جرمی‌ها از جیب این مسئولان لاده‌بشه و هم محاکمه مسئولان ناکارآمد شکل بگیره.

مجید:

چند تصمیم اشتباه دولت روحانی که قطعاً موجب بدتر شدن شرایط در جنگ اقتصادی شده است: ۱) افزایش نرخ سود بانکی (۲ اعلام دلار ۴۲۰۰ توسط دولت ۳) بازار ثانویه ارز و تداوم مشکلات؛ پافشاری بر دلار ۲۲۰۰ تومانی (۴) یارانه ارزی برای سفرهای خارجی بانکی و (۶) عدم تکمیل نظام جامع مالیاتی.

آیا کسی نباید بابت خسارت‌های وارد شده به کشور جواب پس دهد؟
کیان مهزاد: محاکمه مسئولان ناکارآمد موجب خواهد

شبکه‌های مخفی و دستکاری در فرآیندهای سیاسی ایران

تصویری که از شبکه‌های پنهان در سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۳۰ قابل رؤیت است، نشان می‌دهد عملکرد این کانون قدرتمند در حیات سیاسی جامعه ایران تا پیش از تصویب طرح سرنگونی دولت مصدق در لندن و واشنگتن مغایر با دیپلماسی رسمی دولت‌های بریتانیا و آمریکا بود. سیا و ام. آی. سیکس و شبکه‌های مخفی همیشه با آنان در ایران تا پیش از تصویب طرح کودتا تنها مجوز فعالیت علیه گسترش کمونیسم را داشتند، ولی در عمل به این بسنده نکردند و در قامت نیروی سیاسی مقتدر داخلی به دستکاری در فرآیندهای سیاسی ایران پرداختند. این شبکه‌های مخفی از جمله از طریق ایجاد آشوب‌های پیاپی، راه‌تشدید نابسامانی و برغرنج کردن تحولات داخلی ایران و لاینحل کردن مناقشه نفت را پیرومند.

این «قیل سرکش» در تحولات داخلی ایران و استقرار دیکتاتوری به دست می‌آید. آنان در موارد متعدد، صحنه‌های اغراق شده یا غیرواقعی آفریدند که به هراس از توده و سلطه اتحاد شوروی بر ایران دامن می‌زد و فضای لازم را برای تصویب طرح کودتا در لندن و واشنگتن فراهم می‌کرد. به‌عبارت دیگر، شبکه‌های مخفی فوق از طریق دستکاری در فرآیندهای سیاسی ایران دیپلماسی رسمی بریتانیا و ایالات متحده را نیز دستکاری و هدایت می‌کردند.



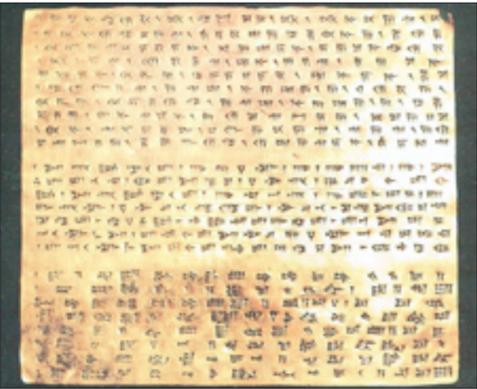
حضور در افغانستان را برای کنترل بر نامه هسته‌ای ایران و پاکستان می‌خواستیم

من به خوبی می‌دانستم در افغانستان به دنبال چه اهدافی بودم و این بار سایر مشاوران ارشد ترامپ نیز همین هدف من را دنبال می‌کردند. این اهداف، با اهمیت یکسان از این قرار بودند: ۱) جلوگیری از ظهور دوباره داعش، القاعده و ممانعت از حملات تروریستی آنها علیه آمریکا و ۲) حفظ هوشیاری در برابر برنامه‌های هسته‌ای ایران در غرب و پاکستان در شرق. این همان پلتفرم ضد تروریستی‌ای بود که ما قصد داشتیم آن را در سال ۲۰۱۹ در منطقه دنبال کنیم. سخت‌تر ترین بخش ماجرا جلب توافق ترامپ و سخت‌تر از آن پایبند کردن او و استوار نگه داشتنش بر این موافقت بود. اگر این اهداف به شکل ضعیف یا در زمان نامناسبی دنبال می‌شد ممکن بود به نتیجه فاجعه‌آمیزی مثل تصمیم ترامپ برای خروج سریع از منطقه بینجامد. البته عملیاتی نکردن این برنامه نیز عملاً به معنای خارج شدن ما از منطقه بود.

یکی دیگر از لایه‌های پیچیدگی ماجرا مذاکرات مداوم زلمی خلیلزارد با طالبان بود. پمپئو معتقد بود او در حال اجرای دستور ترامپ برای مذاکره بر سر توافقی است که طی آن تعداد سربازان آمریکایی مستقر در منطقه را به صفر برسانند. من فکر می‌کردم این سیاست به وضوح اشتباه است. از نظر تئوری، دولت ایالات متحده با هر توافقی برای خروج از منطقه تنها در صورت تحقق شروط زیر می‌توانست موافقت کند: ۱) دیگر هیچ فعالیت تروریستی در کشورها رخ ندهد. ۲) القاعده و داعش از ایجاد پایگاه‌های عملیاتی منع شوند و ۳) ابزارهای دقیقی برای صحت‌سنجی شروط یک و دو در اختیار داشته باشیم. به گمان من در غیر این صورت چنین سیاست و توافقی درست همانند نظرات پنتاگون در مورد کنترل تسلیحاتی، بسیار ساده‌انگارانه بود. منطق ساده‌لوحانه آنها می‌گفت ما با قتل گروه شرور توافق می‌کنیم و آنها هم

به آن پایبند می‌مانند! همین قدر رؤیایی...

از همان آغاز پمپئو اصرار داشت این پنتاگون است که می‌خواهد برای کاهش خطرات و تهدیدات علیه کارمندان آمریکایی باقیمانده در افغانستان در دوره کاهش نیروهای آمریکایی با طالبان توافق کند، چرا که فکر می‌کردند بدون چنین توافقی خطرات علیه باقیمانده نیروهای آمریکایی، بسیار زیاد بود. من باز هم فکر می‌کردم این دیدگاه بیگانه است. واقعاً نمی‌فهمیدم چنین توافقی آن هم با یک گروه تروریستی که ما هرگز به آنها اعتماد نداشتیم، چگونه می‌خواهد در عمل از ما محافظت کند؟ همین حالا که طالبان، داعش و القاعده بر اساس برخی شواهد آشکار متوجه قصد ما برای کاهش حضور نیروهایمان در منطقه شده بودند، خطراتی را برای ما ایجاد می‌کردند؛ دیگر معلوم نبود بعد از امضای یک تکه کاغذ که صراحتاً و رسماً اعلام می‌کرد می‌خواهیم تا اکتبر سال ۲۰۲۰ نیروهایمان را بیرون بکشیم، دست به چه کارهایی می‌زدند؟! خلاصه آنکه دل بستن به یک عقبت‌بنیشتی مشروط آن هم در جایی مثل افغانستان، درست مثل مواد مخدر بود، هر چند باعث می‌شود برخی از ما (البته جز من) در لحظه خود خوبی داشته باشیم اما در نهایت یک حس موقت و عبث بود. من شک داشتم با آن سابقه درخشان طالبان بشود قرارداد با آنها بست و بعد هم به آن دل بستا



ماجرای اسرقت لوح زرین کاخ آپادانا

مفقود شدن لوح نشد. تازه در میانه دهه ۷۰ و زمان مراجعه یک باستان‌شناس به موزه بود که فهمیدند لوح نقره‌ای موزه برج آزادی هست، اما لوح طلائی نه!

طبق اطلاعات شماره‌موس‌ماهنامه «سرزمین میراث فرهنگی و موارد آسیب یا سرقت از موزه‌های ایران را به یاد آورد. مهم‌ترین مورد سرقت آثار تاریخی ایران، ماجرای اسرقت لوح زرین کاخ آپاداناست.

ماجرای ایوم عکس گمشده کاخ گلستان ظاهرآ ختم به خیر شد او صبح روز ۲۸ مرداد در یکی از قفسه‌های ایوم‌خانه پیدا شده بود که قفسه عکس آن هم سر جایش است. اما این ماجرا، ضرورت دقت در حفظ میراث فرهنگی و موارد آسیب یا سرقت از موزه‌های ایران را به یاد آورد. مهم‌ترین مورد سرقت آثار تاریخی ایران، ماجرای اسرقت لوح زرین کاخ آپاداناست. طلائی را می‌فهمند. ن. م سال ۱۳۵۹ امین اموال موزه بود. پس او را به تهران برگرداندند. لوح زرین خاخنمنشی را تا کنه و با کمک برادرزنش آب کرده و به پلافروش‌ها به قیمت یک میلیون تومان (!) فروخته تا با پولش پیکان بخرد. «ن. م» باستان‌شناس سابقهای کلنگ زند پروژه، بنا به سرتی که هنوز هم باستانی داشت. برای همین هم به خاطر شناختی که روی موضوع میراث فرهنگی داشت کسی باور نمی‌کرد این بالا را سر یکی از مهم‌ترین اسناد تاریخی ایران بیاورد. به گفته میرعبدین کابلی، از پیشکسوتان باستان‌شناسی که از همدرو‌های‌ن. م است، او در سال ۱۳۷۷ به جرم تخریب اموال ملی که برداخت عین‌الممال محکوم و برای همیشه راهی زندان می‌شود.

متن روی این لوح را با ترجمه سهیل دلشاد، متخصص زبان‌های باستانی ایران بخشویند: «داربوش، شاه بزرگ، شاه‌شاهان، شاه سرزمین‌ها، فرزند ویشناسپ، (یک) خاخنمنشی. گوید داربوش شاه؛ این شاهی، من در ارم، از سگایه‌ای که از سوی سدی یافت. زسپندان (۱۳۵۰) به موقع افتتاح موزه برج به این مکان انتقال یافت. زسپندان (۱۳۵۷) در اوضاع انقلابی، تمام‌اشیای موزه برج به موزه ملی منتقل شد و یکی از این الواح هم نابدید شد. ماجرا ۲۰ سال مسکوت ماند، چون اصلاً کسی متوجه